### مقدمه

در دعوت دیگران به نماز، لازم است زمینه­ها، ریشه­ها و علل ترک نماز بررسی شود؛ زیرا تا علت ترک روشن نشود، نمی­توان شیوه­ای مناسب برای دعوت بیان کرد؛ کما اینکه طبیب حاذق برای درمان درد، اول به دنبال علت پیدایش آن می­گردد. برای مثال، جوانی که به علت القای شبهات در اصل وجود خدا و یا قیامت تردید دارد، هر نوع روشی در جذب او به کار گرفته شود ابتر می­ماند؛ باید ابتدا اعتقاد او به خدا و معاد اصلاح شود، سپس او را دعوت به نماز کرد. در ادامه عوامل ترک و راهکارهای درمان و دعوت بر اساس آن را بررسی می­کنیم.

###  عوامل ترک نماز

عوامل ترک نماز، با توجه به ابعاد مختلف آن قابل بحث است؛ گاه عاملی فردی و درونی ـ مانند تنبلی ـ فرد را به ترک نماز کشانده است؛ و گاه عامل خارجی، مثل بد عمل کردن خانواده؛ لذا در این بحث، عوامل ترک نماز در دو بخش درونی و بیرونی مورد بررسی قرار گرفته و بعد از تبیین هر عامل، عوامل پیدایی و راه­های درمان آن نیز بیان خواهد شد.

#### یک. عوامل درونی ترک نماز

انسان دارای حوزه­های متفاوت است؛ لذا برای بررسی عوامل ترک نماز در افراد بی­نماز یا بی­توجه به نماز، توجه به سه حوزة بینشی، گرایشی و کنشی انسان لازم و ضروری است؛ زیرا عوامل ترک نماز بر این سه حوزه عارض شده، به همین جهت، ضمن بررسی این سه حوزه، راهکارهای درمان نیز ارائه خواهد شد.

##### الف. بینشی

در این حوزه، عواملی بررسی خواهد شد که ناشی از بینش فرد می­باشد. در واقع در این قسمت، شناخت، فکر و اندیشه دارای محوریت می­باشد.

###### ضعف ایمان به خداوند

محور بنیادین نماز و اقامة آن، ایمان به خداوند متعال است. این تلازم آن قدر قوی است که اولاً در کلام خداوند در تعریف مؤمنان، اقامة نماز أخذ شده است؛ آنجا که خداوند تبارک و تعالی می­فرماید: "إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَتْ قُلُوبهُمْ وَ إِذَا تُلِيَتْ عَلَيهمْ ءَايَاتُهُ زَادَتهمْ إِيمَانًا وَ عَلىَ‏ رَبِّهِمْ يَتَوَكلَّونَ\* الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَوةَ وَ مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنفِقُونَ"؛[[1]](#footnote-1) مؤمنان، تنها کسانی هستند که هرگاه نام خدا برده شود، دلهاشان ترسان میگردد؛ و هنگامی که آیات او بر آنها خوانده می‌شود، ایمانشان فزونتر می‌گردد؛ و تنها بر پروردگارشان توکل دارند.

ثانیاً: پیوسته دستور به اقامة نماز همراه تعبیر "یا أیّها الّذینَ امنوا" آمده است. از این موضوع، به­خوبی می­توان دریافت که یکی از ریشه­های اصلی کم­توجهی به نماز، ضعف ایمان است و به همین دلیل، کسی که از نعمت ایمان بهره­ای نبرده، یا بهره­اش ناچیز باشد، نمی­تواند از نماز لذت ببرد؛ این­گونه افراد، یا نمازی بی­اثر و بی­کیفیت می­خوانند، یا نماز را ترک می­کنند: "إِنَّ الْمُنَافِقِينَ يخُادِعُونَ اللَّهَ وَ هُوَ خَادِعُهُمْ وَ إِذَا قَامُواْ إِلىَ الصَّلَوةِ قَامُواْ كُسَالىَ‏ يُرَاءُونَ النَّاسَ وَ لَا يَذْكُرُونَ اللَّهَ إِلَّا قَلِيلًا"؛[[2]](#footnote-2) منافقان می‌خواهند خدا را فریب دهند؛ در حالی که او آنها را فریب می‌دهد؛ و هنگامی که به نماز برمی‌خیزند، با کسالت برمی‌خیزند؛ و در برابر مردم ریا می‌کنند؛ و خدا را جز اندکی یاد نمی‌نمایند!

بدین روی، راهکار درمان ترک نماز به دلیل ضعف ایمان، تقویت ایمان به خدا و نماز است؛ زیرا ایمان در قلب انسان ریشه دارد، از این رو، این روش، یک روش درونی­سازی و ماندگارترین روش به­ حساب می­آید.

عوامل ضعف ایمان به خدا

1 ـ استکبار 2 ـ اشرافی­گری 3 ـ تبلیغات سوء(وجود شبهات و ... ) 4 ـ فرار از تن دادن به ملزومات ایمان 5 ـ تقلید کورکورانه 6 ـ جهل و نادانی 7 ـ رذائل اخلاقی (حسد، لجاجت، بخل و ... ) 8 ـ هواپرستی 9 ـ محیط (قرار گرفتن در محیط آلوده و معاشرت با افراد بی­ایمان) 10 ـ لقمة حرام

درمان ضعف ایمان به خدا

1 ـ آگاهی افزایی (توجه به تحقق وعده­های الهی، کسب معارف دینی، توجه به نشانه­های الهی در خلقت، توجه به معجزات انبیا) 2 ـ از بین بردن رذائل اخلاقی 3 ـ تفکر 4 ـ قرار گرفتن در محیط­های معنوی (همنشینی با افراد صالح، حضور در محافل معنوی) 5 ـ داشتن برنامه­های معنوی مداوم (قرآن، زیارت رفتن، جذب محبت اهل­بیت) 6 ـ یاد مرگ 7 ـ لقمة حلال 8 ـ پرهیز از گناه

###### ضعف ایمان به معاد

قرآن کریم، توجه به معاد را عامل اقامة نماز معرفی کرده است: "الَّذينَ يُقيمُونَ الصَّلاةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكاةَ وَ هُم بِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ"؛[[3]](#footnote-3)همان كسانى كه نماز را برپا مى‏دارند و زكات را ادا مى‏كنند و آنان به آخرت يقين دارند.

انسان­ها عمل به شرط مزد انجام می­دهند. مسیر بندگی خداوند همچنین است؛ اکثر مردم عبادت و بندگی خدا را برای مزد انجام می­دهند که این مزد، کسب بهشت است یا نجات از جهنم. کم هستند بندگانی مانند حضرت علی که خدا را به علت شایستگی­اش عبادت کنند که حضرت فرمودند: "مَا عَبَدْتُكَ خَوْفاً مِنْ نَارِكَ وَ لَا طَمَعاً فِي جَنَّتِكَ لَكِنْ وَجَدْتُكَ أَهْلًا لِلْعِبَادَةِ فَعَبَدْتُك".[[4]](#footnote-4)

کسی که به معاد و دار جزا اعتقاد راسخ و ایمان قلبی ندارد و دچار شک و وسوسه­های شیطانی نسبت به امر معاد شده است، آن­طور که شایسته است اراده و جزم و شوق به سوی نماز و عبادت برای او حاصل نمی­شود؛ زیرا اولاً آنقدر درک ندارد که خدا را به ­علت شایستگی وجودیش عبادت کند؛ ثانیاً: اعتقاد راسخی به معاد ندارد که او را به­ سمت نماز برای تحصیل مزد و پاداش الهی سوق دهد و لذا، انسانی که ایمانش به معاد ضعیف است، هرچه از آثار و برکات نماز برای او بگویی و هرچه از عواقب ترک نماز او را برحذر داری، باز انگیزه­ای برای نماز خواندن در او ایجاد نمی­شود. درمان چنین شخصی، اصلاح اعتقاد او نسبت به معاد است.

###### غفلت

غفلت به معنای از دست­دادن فرصت­هاست[[5]](#footnote-5) و غافل، کسی است که به سرنوشت و سعادت دنیوی و اخروی خود بی­توجه است؛ او غرق دنیا شده و از اصول اساسی ـ که در زندگی او نقش مهمی دارد ـ دور مانده و نیازهای اساسی فطری­اش را فراموش کرده است.

غفلت، سبب تعطیلی قوای ادراک معنوی شده و در نتیجه، ورودی­های نورانی و الهی انسان از کار می­افتد؛ دیگر قلب نمی­فهمد، چشم نمی­بیند و گوش نمی­شنود: "وَ لَقَدْ ذَرَأْنا لِجَهَنَّمَ كَثِيراً مِنَ الْجِنِّ وَ الْإِنْسِ، لَهُمْ قُلُوبٌ لا يَفْقَهُونَ بِها، وَ لَهُمْ أَعْيُنٌ لا يُبْصِرُونَ بِها، وَ لَهُمْ آذانٌ لا يَسْمَعُونَ بِها"[[6]](#footnote-6).

راه درمان غفلت، ذکر، یادآوری و توجه است که به فرمودة قرآن کریم، نماز، مصداق بارز ذکر و یاد خداست: "وَ أَقِمِ الصَّلَوةَ لِذِكْرِى"[[7]](#footnote-7).

عوامل غفلت

شیطان

کسی که شیطان را بر خود مسلط کند، شیطان او را از نماز و ذکر و یاد خدا باز خواهد داشت. به فرمودة قرآن: هر کس شیطان را بر خود مسلط کند، از یاد خدا غافل می­شود و از حزب شیطان به حساب می­آید: "اسْتَحْوَذَ عَلَيْهِمُ الشَّيْطَانُ فَأَنسَئهُمْ ذِكْرَ اللَّهِأُوْلَئكَ حِزْبُ الشَّيْطَانِ أَلَا إِنَّ حِزْبَ الشَّيْطَانِ هُمُ الخاسِرُونَ"؛[[8]](#footnote-8) شيطان بر آنان مسلّط شده و ياد خدا را از خاطر آنها برده است، آنان حزب شيطانند! بدانيد حزب شيطان زيانكارانند!

دوست ناباب

دین اسلام، مؤمنین را از همنشینی با افراد گنه­کار برحذر داشته، توصیه نموده که با افرادی نشست و برخاست کنیم که ذکر و نام خدا را در ما زنده می­کنند. خداوند در قرآن کریم می­فرماید: در روز قیامت، انسان گنه­کار از روی پشیمانی به پشت دست خود می­زند و می­گوید: "يَا وَيْلَتىَ‏ لَيْتَنىِ لَمْ أَتخذْ فُلَانًا خَلِيلًا\*لقَدْ أَضَلَّنىِ عَنِ الذِّكْرِ"؛[[9]](#footnote-9) اى واى بر من، كاش فلان شخص گنه­کار را دوست خود انتخاب نكرده بودم! او مرا از ياد خدا دور کرد.

اشتغال افراطی به بهره­های دنیایی

علاقة شدید به مال اندوزی و تکاثر، انسان را از خدا و یاد او غافل می­سازد. قرآن کریم می­فرماید: نور الهی در بین خانه­ها و مردانی است که تجارت و داد و ستد، آنها را از یاد خدا باز نداشته، صبح و شام تسبیح خدا را می­گویند: "فىِ بُيُوتٍ أَذِنَ اللَّهُ أَن تُرْفَعَ وَ يُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ يُسَبِّحُ لَهُ فِيهَا بِالْغُدُوِّ وَالاَصَالِ\*رِجَالٌ لَّا تُلْهِيهِمْ تجِارَةٌ وَ لَا بَيْعٌ عَن ذِكْرِاللَّهِ وَ إِقَامِ الصَّلَوةِ وَ إِيتَاءِ الزَّكَوةِ".[[10]](#footnote-10)

دنیاطلبی

بسیاری از مظاهر مادی و دنیوی، اموری دو حیثیتی هستند که با توجه به نوع نگرش انسان به آن، می­تواند موجب غفلت از یاد خدا یا با تدبیر و دوراندیشی، به فرصت ناب خداپرستی و کسب رضای او تبدیل گردد. قرآن کریم دربارة مال و فرزند تعبیر فتنه به کار برده است؛ زیرا فتنه به معنای آزمایش و امتحان است و احتمال قبولی و مردودی در آن می­رود: "وَاعْلَمُوا أَنَّما أَمْوالُكُمْ وَ أَوْلادُكُمْ فِتْنَة".[[11]](#footnote-11)

مال و فرزند،[[12]](#footnote-12) استماع لهو،[[13]](#footnote-13) سرگرمی به نعمت­های مادی دنیا و موارد ی مانند آن، نمونه­هایی از مظاهر فریبندة دنیا هستند که می­تواند موجب غفلت شوند.

درمان غفلت

1 ـ انذار (با استفاده از روش­های انذاردهی مانند بیان، توجه­دادن به گذشته­ها و. . . ) 2 ـ تبیین آیات و نعمت­های الهی 3 ـ تفکر 4 ـ توجه به زندگی پس از مرگ و نقش نماز در زندگی پس از مرگ 5 ـ توجه به یاد خدا و صفات الهی 6 ـ توجه به معنویات (قرائت قرآن، دعا، جلسات وعظ و... ) 7 ـ توجه به آثار سوء دنیوی و اخروی غفلت 8 ـ کنترل چشم و گوش از گناه 9 ـ دیدار (با علما و رفتن به قبرستان، زیارت، دیدار مریض)10 ـ دوری از عوامل غفلت­زا (دوستان ناباب، محیط­های آلوده به گناه، وابستگی به ماهواره، اینترنت، موبایل و... ).

###### جهل

جهل افراد عامل مهمی در دوری از حق و حقیقت است، همان­گونه که حضرت على می­فرمایند: "اَلجَهلُ أَصلُ كُلِّ شَرٍّ"؛ نادانى ريشة همة بدي­هاست. [[14]](#footnote-14)

انسان جاهل، به واسطة نادانی و عدم توانایی در شناخت درست و نادرست، به خود و اطرافیانش ضربات جبران ناپذیری وارد می­کند.

فردی هم که در زندگی­اش تأثیر نماز را نمی­داند، نسبت به آن کم توجه خواهد شد و آن را در اولویت زندگی خود قرار نمی­دهد و کارهایی با منفعت دنیوی را، مقدم بر نماز می­گرداند. اینکه امیر سخن در نهج­البلاغه فرمودند: "إِنَّ الجاهِلَ مَن عَصَى اللّه وَ إِن كانَ جَميلَ المَنظَرِ عَظيمَ الخَطَرِ"؛[[15]](#footnote-15) نادان كسى است كه نافرمانى خدا كند، اگرچه زيبا چهره و داراى موقعيتى بزرگ باشد. بدین معناست که کسی که از فرمان خداوند تبارک و تعالی سرپیچی می­کند و نماز را که ستون دین است و از بالاترین عبادت­ها، کنار می­گذارد، او جاهل­ترین فرد است؛ حتی اگر عالی­ترین مدارک علمی را از بهترین دانشگاه­ها دریافت کرده باشد، یا در بهترین منصب­ها و موقعیت­ها قرار گرفته باشد.

انواع جهل

جهل خود اقسام گوناگونی دارد که به بعضی از اقسام آن اشاره می­کنیم.

1 ـ جهل به خدا و صفات و نعمت­های او

2 ـ جهل به خود

3 ـ جهل به نماز

این نوع از جهل، خود دارای بخش­هایی است که عبارتند از:

الف) جهل به احکام

شخص چون حکم مسئله را نمی­داند، در عمل دچار اشتباه می­گردد. همانند اینکه، عده­ای از انسان­ها گمان می­کنند که اگر مشروبات الکلی استفاده کردند، نباید تا چهل روز نماز بخوانند، چون نماز آنها قبول نمی­گردد؛ پس نماز را ترک می­کنند. در حالی که حکم الهی چیز دیگری است؛ کسی که از مشروبات الکلی استفاده کند، تا چهل روز نماز او پذیرفته نیست و در درگاه الهی قبول نمی­گردد، ولی آن فرد باید نماز خود را بخواند، چون تکلیف شرعی از او ساقط نمی­شود.

یا کسی که در بیمارستان بستری است، یا دست او را گچ گرفته­اند، نماز نمی­خواند؛ چون احکام تیمم و وضوی جبیره­ای را نمی­داند. اگر همین افراد از احکام نماز آگاه شوند، نماز را ترک نمی­کنند.

ب) جهل به اسرار، آثار و اهمیت نماز

 کسی که نماز را عبادتی ساده می­پندارد و از جایگاه آن اطلاعی ندارد، به­راحتی آن را ترک خواهد کرد؛ اما وقتی از اهمیت ویژه­ شارع مقدس نسبت به نماز آگاهی پیدا کند، در انجام این فریضة الهی کوتاهی نمی­کند. برای مثال، اگر بداند نماز اولین واجب دینی و نخستین عملی است که از مؤمن پذیرفته خواهد شد و پذیرش و رد سایر اعمال او نیز وابسته به نماز است، دیگر به سادگی نماز را ترک نمی­کند.

ج) جهل به عواقب بی­نمازی

کم شدن رزق و روزی، رفتن برکت از مال، کوتاه شدن عمر، سختی جان دادن، قرار گرفتن در سقر که بدترین جایگاه جهنم است[[16]](#footnote-16) و... برخی از پیامدهای ترک نماز است که آگاهی از آنها می­تواند مرهمی بر درد ترک نماز، به سبب جهالت باشد.

درمان جهل

1 ـ تبیین تدریجی 2 ـ تلاش بیشتر و هدفمند اهل علم برای تبیین و انتقال معارف دینی از طریق برهان، موعظه، گفت وگوی صمیمانه، تبلیغ چهره به چهره 3 ـ ایجاد بینش نسبت به موضوع جهل(توجه دادن به آثار و عواقب جهل) 4 ـ بیدار کردن روح حقیقت­جویی[[17]](#footnote-17) 5 ـ معاشرت با اهل علم و. . . .

######  عدم تفکر

دنیا با جاذبه­های فراوان خود، همانند گردبادی است که هر کس وارد آن شود، گویا اختیار از او سلب شده و هرگز قدرت ایستادن و عمل به اختیار خود را ندارد. این گردباد خطرناک، علاقه­مندان به خویش را با سرعت می­چرخاند و بازی می­دهد، تا روزی که با صخره­ای به نام مرگ برخورد کنند و از گردباد دنیا جدا شوند که البته خیلی دیر است. تفکر، فرصت جدا شدن از این گردباد هلاک­کننده است، همان­گونه که پیامبر اعظم فرمودند: "تفکر ساعة افضل من عبادة سبعین سنه"[[18]](#footnote-18).

کسی که اهل تفکر باشد هرگز دنبال گناه نمی­رود و هیچگاه نمازش را ترک نمی­کند؛ زیرا متفکر، مقایسه و محاسبه می­کند و آخرت و رضایت خدا را فدای عمر کوتاه دنیا نمی­کند. او هرگز حاضر نیست که آثار با برکت دنیوی و اخروی نماز را از دست بدهد و به جای آن، آثار نکبت­بار و عذاب الیم ناشی از ترک نماز را کسب کند. امام صادق می­فرمایند: "التَّفکّر یدعوا الی الله والعَمل به"؛[[19]](#footnote-19) تفکر، انسان را به خوبی و عمل به آن دعوت می­کند.

##### ب. گرایشی

در این قسمت، به اموری که در حوزة قلب انسان است، خواهیم پرداخت؛ یعنی عواملی که در درون انسان به­صورت گرایشی وجود دارد.

###### کبر

کبر، حالتی در انسان است که بر اثر خودپسندی، خویشتن را برتر از دیگران ببیند. [[20]](#footnote-20) خود بزرگ­بینی از اوصاف شیطان است. متکبر چه کبرش نسبت به خداوند باشد و چه نسبت به مردم، هماهنگ با ابلیس شده و مطرود از رحمت الهی است.

بنا بر آیات قرآن کریم، متکبرین از حریم محبت خدا خارج هستند: "إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْتَكْبرِين"[[21]](#footnote-21)‏ و جهنم جایگاه آنهاست: "فَادْخُلُواْ أَبْوَابَ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا فَلَبِئْسَ مَثْوَى الْمُتَكَبرِّين". [[22]](#footnote-22)

نماز، عبادتی است کاملاً متواضعانه با تعظیم در رکوع و تذلل و خشوع در مقابل ذات حق در سجود و پناه بردن و التماس کردن از ذات اقدس الهی در قرائت و قنوت؛ در حالی که فرد متکبر، حاضر نیست تن به این عبادت متواضعانه بدهد. او به چنان غروری گرفتار است که حاضر نیست در مقابل خداوند، سر تعظیم فرود آورد و سر بر خاک بندگی بگذارد. صدیقه طاهره حضرت زهرا سلام در فلسفه وجوب نماز فرمودند: " که خدا نماز را واجب کرد برای زدودن کبر". [[23]](#footnote-23)

درمان کبر

الف: علمی: توجه به عظمت و قدرت خداوند؛ توجه به ضعف انسان و یادآوری نحوة خلقت و مرگ او؛ توجه به آثار منفی کبر و آثار مثبت تواضع.

ب: عملی: نماز؛ وادار کردن خود به تمرین تواضع و فروتنی؛ همنشینی و همسفره شدن با فقرا و...

###### ناامیدی

آنها که خود را غرق در گناه می­بینند، ناامید از اینکه گناهانشان بخشیده شود و عباداتشان مورد قبول قرار گیرد، هیج­گاه به فکر تغییر وضعیت موجودشان نمی­افتند. چنین افرادی، در دو­راهی ترک گناه یا ترک نماز، ترک نماز را در پیش می­گیرند؛ در حالی که ناامیدی، وسوسه­ای شیطانی است که نیروی عبادی را از انسان می­گیرد. در آیات نورانی قرآن کریم نیز آمده است: "قُلْ يا عِبادِيَ الَّذينَ أَسْرَفُوا عَلى‏ أَنْفُسِهِمْ لاتَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِاللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَميعاً إِنَّهُ هُوَالْغَفُورُ الرَّحيمُ"؛[[24]](#footnote-24) بگو: ای بندگان من که بر خود اسراف و ستم کرده‌اید! از رحمت خداوند نومید نشوید که خدا همه گناهان را می‌آمرزد، زیرا او بسیار آمرزنده و مهربان است.

این امیدواری به رحمت الهی و اتصال به محبوب، به­واسطة نماز، انگیزه و فعالیت دو چندانی در انسان­ها ایجاد خواهد نمود.

 عوامل ناامیدی

 1 ـ فرو رفتن در محیط آلوده 2 ـ همنشینی با افراد مأیوس و ناامید 3 ـ گناه 4 ـ جهل و ضعف اعتقادی5 ـ بحران هویت و نداشتن هدف درست در زندگی 6 ـ شیطان 7 ـ انتظارات و توقعات بیش از اندازه.

 درمان ناامیدی

1 ـ توجه به رحمت بی­کران الهی2 ـ تغییر محیط و اصلاح ارتباط­ها و دوستی­ها 3 ـ تقویت بینش­های دینی ـ توکل به خداوند، توسل به اهل­بیت ـ 4 ـ مشخص بودن اهداف و برنامه­ها 5 ـ شناخت شیطان و شگردهای آن.

###### ضعف اراده

بسیارند افرادی که به دلیل نداشتن محرکی قوی، از انجام واجبات شانه خالی می­کنند و عزم خود را برای انجام عبادات جزم نمی­کنند. این همان ضعفی است که بر اراده حاکم می­گردد و بر تمام امور عبادی سایه می­فکند. در مورد نماز هم، ضعف اراده یکی از عوامل ترک یا بی­توجهی به نماز است که به­صورت همیشگی یا موقت، عده­ای را از نماز باز می­دارد.

عوامل ضعف اراده

1 ـ محیطی(خانواده، مدرسه، گروه همسال، محیط کار) 2 ـ شکست­های پی درپی 3 ـ بیماری یا نقص جسمی 4 ـ عدم خودباوری 5 ـ ارتکاب گناه و اشتغال به لغویاتی مانند موسیقی حرام 6 ـ ضعف باورها.

درمان ضعف اراده

1 ـ توجه به مراحل شکل­گیری اراده شامل تصور موضوع، تصدیق به فایده، میل، شوق، شدت شوق، اراده و تصمیم، تثبیت اراده 2 ـ تعیین هدف 3 ـ برنامه­ریزی صحیح 4 ـ شناخت توانائی­ها و استعدادها 5 ـ تلقین مثبت 6 ـ رعایت اصل تدریج (از کم شروع کردن) 7 ـ مطالعه زندگی بزرگان، اولیای الهی و انسان­های موفق 8 ـ انس با قرآن، دعا و نماز.

###### احساس ریا و خودنمایی

در اینکه ریا از گناهان بزرگ است و باعث تباهی عمل می­شود، شکی نیست. خداوند نیز وعدة عذاب به نمازگزاران ریاکار داده است: "فَوَيْلٌ لِّلْمُصَلِّينَ\*الَّذِينَ هُمْ عَن صَلَاتهم سَاهُونَ\*الَّذِينَ هُمْ يُرَاءُونَ\*وَ يَمْنَعُونَ الْمَاعُونَ". [[25]](#footnote-25)

عده­ای در توجیه ترک نماز می­گویند: اگر نماز بخوانیم، احساس می­کنیم مرتکب ریا شده­ایم، یا در حال خودنمایی هستیم! و از آنجا که عمل ریائی ارزشی ندارد، پس بهتر این است نماز نخوانیم!!

در اینجا سه عامل برای ترک نماز به علت ریا متصور است: عامل اول شیطان است که به­طور مداوم به این شخص تلقین می­کند که این عمل تو ریائی است؛ عمل ریائی ارزش ندارد؛ بهتر است آن را ترک کنی!

عامل دوم، نفس آدمی است. شخصی که ذاتاً از ریا بدش می­آید، برای اینکه مبادا مرتکب ریا شود، به­راحتی نماز را ترک می­کند! چنین شخصی غافل است که همین عملش ریایی است؛ زیرا ریا به معنای کار برای غیر خداست و چنین شخصی، برای خوش­آیند نفس خودش ـ نه خدا ـ نماز را ترک می­کند.

عامل سوم، مردم و جوّ نامطلوب محیط می­باشد. برخی افراد همواره عینک بدبینی به چشم زده­اند و دیگران را بدون هیچ دلیلی متهم به انواع گناهان می­کنند؛ از جمله اینکه، عبادت­کنندگان را متهم به ریا می­کنند؛ لذا بعضی افراد با قرار گرفتن در چنین جوی، برای دوری جستن از اتهام ریاکاری، نماز را ترک می­کنند.

###### احساس تحجر وعقب ماندگی

برخی افراد به دلیل عدم آگاهی از فلسفة نماز، آن را عملی متحجرانه می­دانند؛ لذا برخی افراد در پاسخ به سؤال: "چرا نماز نمی­خوانید؟"، نماز را رفتار و عملی متحجرانه معرفی و نمازگزاران را افرادی متحجر می­نامند.

غافل از اینکه نیازهای فطری انسان­ها دائمی بوده، نماز سیری صعودی به­ سوی کمال و سعادت انسان است؛ سعادتی که انسان را به ­سمت بی­نهایت رهنمون می­گردد و هر نماز، لذتی جدید است که گام به گام انسان را به حقایق عالم نزدیک­تر و دریچه­های نو به روی انسان می­گشاید.

###### لجاجت

لجاجت، از عواملی است که باعث ترک نماز از سوی برخی می­شود. این لجاجت از چند حال خارج نیست:

1) لجاجت با خداوند؛ به ­علت فوت عزیزشان، از دست دادن سلامتی، عدم استجابت دعا و. . .

2) لجاجت با مسئولین و نظام حاکم؛ برخوردهای جناحی، بیکاری، گرانی و مشکلات و. . .

3) لجاجت با مربی و والدین؛ اختلاف با والدین، مدیر، معلم و. . .

درمان لجاجت

1 ـ روشنگری نسبت به سوء برداشت­ها 2 ـ پرهیز از سرزنش 3 ـ تقویت صفات مثبت 4 ـ اصلاح شیوه­های تربیت و امر به معروف و نهی از منکر 5 ـ تقویت روحیة اجتماعی7 ـ مثبت­نگری 8 ـ توجه به آثار منفی لجاجت.

##### ج. کنشی

در این قسمت، به حوزه­ای خواهیم پرداخت که در آن رفتار انسان محوریت دارد؛ مواردی که مربوط به حوزة کنشی انسان است.

###### تنبلی

تنبلی از عواملی است که به­صورت همیشگی و یا گاهی اوقات، عده­ای را از نماز باز می­دارد. اساساً افراد تنبل و تن­پرور، ارادة قوی برای انجام امور معنوی ندارند؛ لذا همواره در مسیر زندگی خود با مشکل مواجهند و چون عبادت کردن نیز از اموری است که نیازمند روح آزاد و ارادة محکم و قوی است، افراد تنبل نمی­توانند این­گونه باشند.

امام صادق در وصیت به فرزندش او را این­گونه از کسالت باز می­دارد: "إِيَّاكَ وَالضَّجَرَ وَالْكَسَلَ‏ فَإِنَّهُمَا يَمْنَعَانِكَ حَظَّ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَة؛"[[26]](#footnote-26) از تنبلى و بى‏حوصلگى بپرهيز؛ زيرا كه اين دو، تو را از رسيدن به بهرة دنيا و آخرت باز مى‏دارد.

درمان تنبلی

1 ـ تفکر و توجه به پیامدها 2 ـ برنامه­ریزی صحیح(اصلاح تغذیه، تنظیم خواب) 3 ـ معاشرت با افراد پرتلاش4 ـ ورزش و مشارکت در کارهای گروهی 5 ـ تعیین جریمه توسط خود شخص(نذر و عهد).

###### تسویف

تسویف، از ریشة سوف و به معنای امروز و فردا کردن است. تسویف در عبادات، به­خصوص در نماز، انسان را از خدا دور می­کند و در دنیا و گناهان غرق می­کند.

جوان در بسيارى از مواقع، نماز نخواندن خود را اين چنين توجيه مى­كند كه من بعداً مى­خوانم و يا قضاى آن را به­جا مى­آورم. عمر طولانى در پيش است؛ پس مى­توان اعمالى كه امروز از من ترك مى­شود در سنين پيرى و زمان بيكارى انجام داد، يا توبه كرد و از مغفرت الهی برخوردار شد و جبران کرد. او با فریب تسویف، از نماز خواندن فاصله می­گیرد.

###### کثرت گناه و شهوت­رانی

از جمله اموری که باعث ترک نماز و بی­علاقگی نسبت به اقامة آن می­شود، زیادی گناه و انباشته شدن گناه است که فکر و قلب را از انس و لذت معنوی محروم و آفات و پیامدهای فراوانی را سبب می­شود.

 وقتی قلبی به گناه انس گرفت و رفتار و تفکر شخص، رنگ و بوی غیر الهی گرفت، جایی برای انجام و اندیشیدن به عبادت و به­خصوص نماز نخواهد بود. نماز خیر­العمل معرفی شده و قلبی که همرنگ گناه شده است، نمی­تواند به این عمل عبادی بپردازد.

درمان کثرت گناه و شهوترانی

1 ـ توجه به پیامدهای گناه 2 ـ تقویت اراده 3 ـ تغییر محیط 4 ـ ارتباط همیشگی و دائم با خوبان(علما و دوستان خوب) 5 ـ یاد مرگ و توجه به قیامت 6 ـ داشتن برنامه­های معنوی و منظم.

###### افراط و تفریط

دین مبین اسلام، یکی از راهکارهای خوشبختی را، میانه­روی معرفی نموده است. قرآن کریم از طرفی می­فرماید: گوش ندهید به کسی که کارهایش افراطی است؛"وَ كانَ أَمْرُهُ فُرُطاً"[[27]](#footnote-27) و از سویی، تفریط و کوتاهی را سرزنش نموده، آن را باعث حسرت می­داند: "ما فَرَّطْتُ في‏ جَنْبِ اللَّهِ"[[28]](#footnote-28) یعنی در عبادات کوتاهی کردند، کارهای الهی را کم گذاشتند.

در روایات نیز، افراط و تفریط از نشانه­های انسان­های نادان دانسته شده است که رفتارشان حاصلی جز خستگی و بدبینی ندارد و چه بسا باعث دلزدگی و دوری خود و اطرافیان از مسائل دینی و اقامة نماز می­گردند.

درمان افراط و تفریط

1 ـ رفع جهل 2 ـ واقع­گرایی (و خودداری از تقلید بی­جا) 3 ـ گزینش و پیروی از الگوی صالح 4 ـ توجه به آثار و عواقب افراط و تفریط 5 ـ رعایت اصول تدریج، تسهیل، تناسب 6 ـ تکلیف مداری به جای سلیقه مداری.

###### خجالت

برخی افراد به سبب خجالت، از انجام کارهای عبادی و مهم خود از جمله نماز باز می­مانند. چه بسا افراد خجالتی میل به خواندن نماز و انجام امور معنوی دارند؛ اما شرمندگی از حضور دیگران مانع از انجام آن می­شود. مانند جوانی که در عین علاقه به نماز، این عمل معنوی و زیبا را در محیط دوستان یا مدرسه به دلیل خجالت به­جا نمی­آورد و گاه، نمازش قضا هم می­گردد.

درمان خجالت

1 ـ اعطای بینش 2 ـ تقویت اعتماد به نفس 3 ـ توجه به آثار مضر خجالت مانند جلوگیری از پیشرفت و تجلی افکار عالی، مطرح نشدن عقاید و آسیب­پذیری.

1. . انفال آیات 2 ـ 4. [↑](#footnote-ref-1)
2. . نساء: 142. [↑](#footnote-ref-2)
3. . نمل: 3. [↑](#footnote-ref-3)
4. . مجلسى، *بحارالأنوار*، ج67، ص186. [↑](#footnote-ref-4)
5. . "الغفلة فقد". (عبد الواحدتميمى آمدي، ‏ *غرر الحكم و درر الكلم، ص57).* [↑](#footnote-ref-5)
6. . اعراف: 179. [↑](#footnote-ref-6)
7. . طه: 14. [↑](#footnote-ref-7)
8. . مجادله: 19. [↑](#footnote-ref-8)
9. . فرقان: 28 و29. [↑](#footnote-ref-9)
10. . نور: 36 و37. [↑](#footnote-ref-10)
11. . انفال: 28. [↑](#footnote-ref-11)
12. . منافقون: 9. [↑](#footnote-ref-12)
13. . "وَ مِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْتَري لَهْوَ الْحَديثِ لِيُضِلَّ عَنْ سَبيلِ اللَّه". لقمان/6. مصادیق لهو و لعب و روی­گردانی از حق و حقیقت، با قالب­های شکیل، گول زننده و دلربا از طریق تلویزیون، ماهواره، اینترنت، ویترین­های جذاب مغازه­ها، بازارهای بزرگ و شیک، رواج موسیقی­های غربی و مدهای فراوان آن، نمونه­هایی از مظاهر دنیای امروزی هستند که زمینة غفلت از یاد خدا را به اوج خود رسانده است. [↑](#footnote-ref-13)
14. . پاينده‏، *نهج الفصاحه،* ح781. [↑](#footnote-ref-14)
15. . سید رضی، *نهج البلاغه*، خطبه 178. [↑](#footnote-ref-15)
16. . نک: مدثر: 42و43. [↑](#footnote-ref-16)
17. . نحل: 43. [↑](#footnote-ref-17)
18. . *محقق حلی، مهذب الاحکام*، ج15، ص314. [↑](#footnote-ref-18)
19. . حر عاملی، وسائل الشیعه، ج15، ص196. [↑](#footnote-ref-19)
20. . حسين­بن­محمد راغب اصفهاني، *المفردات في غريب القرآن،* ص421. [↑](#footnote-ref-20)
21. . نحل: 23. [↑](#footnote-ref-21)
22. . نحل: 29. [↑](#footnote-ref-22)
23. ." فرض الله الصلاة تنزیها عن الکبر" (حر عاملی، وسائل الشیعه*،* ج1، ص22). [↑](#footnote-ref-23)
24. . زمر: 53. [↑](#footnote-ref-24)
25. . ماعون: 4 تا 7. [↑](#footnote-ref-25)
26. . مجلسى، *بحارالأنوار*، ج‏66، ص395، باب38. [↑](#footnote-ref-26)
27. . کهف: 28. [↑](#footnote-ref-27)
28. . زمر: 56. [↑](#footnote-ref-28)